

کیمیاگران علم و معرفت

نوشته‌ی: دکتر سعید تقوایی
taghvaei@hotmail.com

کردند و به قله‌ی علم و معرفت رسیدند و چه حیف زود پر کشیدند. همیشه با خود فکر می‌کردم که نسلی که در بحبوحه‌ی انقلاب و با خروج متخصصان خارجی از کشور، فعالیت‌شان را شروع کردند، امروز به گرین همی ما حق دارند، بسیار سختی کشیدند، بسیار صبوری کردند. با کمترین امکانات، مخلصانه و بی ادعا، چرخ‌های صنعتی این مملکت را در سخت‌ترین شرایط مانند جنگ و تحریم و... چرخاندند. نسل تکرارناپذیر، بهترین توصیف است برای ملایری‌ها، خواجه‌ها، نوایی‌ها (که روحشان شاد و جایشان خالی) و بسیاری دیگر از عزیزانی که هم اکنون در کنارمان هستند و عطر وجودشان را احساس می‌کنیم، اما شاید قدرشان را نمی‌دانیم. خدا نگره‌دار آن‌ها که از این نسل مانده‌اند، باشد.

مهندس ملایری، مرد صبور و خندان و دوست‌داشتنی به همی ما تعلق داشت- به خاکمان، به مام میهنمان؛ ایشان به‌واقع یک سرمایه‌ی ملی بود و هست. بیاییم ضمن ارج نهان به تلاش‌ها و خدمات عزیز از دست رفته‌مان، قدر بقیه‌ی سرمایه‌های ملی‌مان را بدانیم: همان‌هایی که سال‌های بوده خوردن‌ها و تلاش‌شان به نزدیک به چهل سال می‌رسد و هنوز انرژی مثبت می‌دهند و امیدواری به آینده.

به پاس داشتن یک عمر فعالیت علمی، فنی و انتشاراتی مهندس ملایری عزیز، ویژه‌نامه‌ی نشریه‌ی صنعت لاستیک ایران را به نام ایشان که خود بانی انتشار این نشریه بودند و همواره همچون فرزندی آن را تیمار می‌کردند، منتشر خواهیم کرد. همچنین درصد چاپ مجموعه‌ی نام‌آوران صنعت لاستیک کشور هستیم تا نسل‌های سوم به بعد صنعت لاستیک کشور بدانند که این صنعت با همی افتخو خیزش، مدیون نسل تکرار ناشدنی‌ایست که برخی از آنان دیده در خاک فروبرده‌اند و دیگران نیز همچون نگینی تالو بوش، در کنارمان هستند و می‌باید سخت در آغوششان بگیریم و پاسشان بداریم.

دهی شصت که دانش‌آموز دبیرستان و بعد دانشجوی رشته‌ی شیمی دانشگاه تهران بودم، مشتری پروپاقرص تنها نشریه‌ی فارسی زبان شیمی کشور یعنی مجله‌ی کیمیا بودم. بی‌صبرانه منتظر چاپ کیمیا می‌شدم و مطالبش را بارها و بارها و با تمام وجودم می‌خواندم. در آن زمان برای من دو نام آشنا روح و کالبد تمامی مطالب کیمیا بودند: محسن قانع بصیری، فریبرز عیوض ملایری. در آن دوران سخت نشر، همواره عشق و انگیزه‌ی این دو بزرگوار را که عطش علاقه و امید امثال مرا سیراب می‌کردند، می‌ستودم. در کمال ناباوری در فاصله‌ی چند ماه، کیمیاگران علم و معرفت از دنیای فانی پرکشیدند و از میان ما رفتند.

هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم دست سرنوشت مرا به سمتی پیش برد که هم‌نشین و هم‌صحبت این عزیزان باشم. به‌یاد دارم در سال ۱۳۷۹ که تازه وارد صنعت تأیر شده بودم، در چهارمین همایش ملی لاستیک که در شهر یزد برگزار شد، برای اولین بار با مهندس ملایری روبه‌رو شدم و مشتاقانه خاطره‌ی کیمیا را با ایشان در میان گذاشتم. ایشان ضمن گلایه از بدعهدی‌های زمانه و مشکلات انتشار نشریه‌ی کیمیا، نشریه‌ی صنعت لاستیک ایران را معرفی کردند و گفتند این نشریه هم در ادامه‌ی همان رسالت کیمیاست.

سال‌ها هم‌نشینی و مصاحبت با ایشان، افتخاری بود که بعدها نصیب من شدم. تواضع، مهربانی، سرسختی و جدیت در کار و دهها صفت برجسته‌ی دیگر ویژگی‌هایی بودند که در مدت فقدان ایشان بارها و بارها با یکدیگر مرور کردیم و حسرت خوریم. به تعبیر رومن رولان، نویسنده‌ی الجزایری-فرانسوی، از انسان‌های فناپذیر در کتاب جان شیفته،

”مهندس ملایری وسیع بودند و تنها، سر به‌زیر و سخت“
چه خون‌دل‌ها خورده شد تا نام‌آورانی چون مهندس ملایری رشد

در روزهای پایانی مهرماه درحال بستن این شماره از نشریه بودیم که در غروب ۲۶ مهرماه، درگذشت آقای مهندس ملایری-جانشین سر دبیر و ویراستار نلسوز نشریه را ناباورانه به سوگ نشستیم. به‌همین دلیل با توجه به فقدان این دوست و یار بیرین نشریه و همکاری که بیش از ۲۱ سال سر دبیری نشریه را به‌عهده داشت و آن را همچون فرزندی دوست می‌داشت، سرمقاله‌ی این شماره از نشریه را به ایشان اختصاص دادیم. لازم به یادآوریست که سر دبیری و ویراستاری این شماره از نشریه نیز توسط ایشان انجام شده است.

سرمقاله: کیمیاگران علم و معرفت